بسم الله الرحمن الرحیم

سلام

برادر و همرزم عزیز و بزرگوارم

با ادب و احترام

خدا را شاکریم که ما را به زیارت و خرسندی و اعتماد و هم سخن شدن با ولی روزگارمان و نائب امام زمانمان، توفیق بخشید و منت داد.

متنی که در ادامه آمده است، مشروح بیانات امام خامنه ای در دیدار ۱۹ آبان ماه ۱۳۹۵ در جمع مسئولان جبهه فرهنگی انقلاب (قرب بقیه الله الاعظم ـ عجل الله تعالی فرجه) است.

این متن ، از حیث لفظی، بیش از ۹۰ درصد، با آن چه بیان شد، مطابقت دارد و از حیث مفهومی و محتوایی تقریبا ۱۰۰ درصد، همان است که فرموده آمد. این متن را بیش از ۳۰ نفر از حاضران خوانده اند و بیش از ۱۵نفر در اصلاح آن دخیل بوده اند و مابقی تایید کرده اند.

ضرورت ارائه این متن :

ـ نسیان از جنود شیطان است. ما هم همه گرفتار روز مره و عادات . عملیات عظیم اربعین و استراحت پس از آن هم مزید می شود. ارائه این متن و خوانش آن کمک می کند به ذکر و دوری از غفلت و ان شاء الله عمل.

ـ قیل و قال و سخن ناصواب و برداشت های گوناگون و گاه خناسانه به میان آمده اند تا اصل سخن به حجاب تاویل ها رود. وجود یک متن واحد، می تواند کمک بسیاری به هدایت حاشیه ها به متن و سخن ناسره به سره کند.

متوسلیم به درگاهش که با غفلت و بی تفاوتی و عدم عزم به امر ولی، مغضوب نگردیم و این فرمایشات مبدا عمل و تحول ما گردد؛ ان شاء الله .

باشد که بر اوامر ولی اهل باشیم و شنوا و مجاهد و مهاجر

و من الله التوفیق

مشروح دیدار حضرت امام خامنه ای با قرب بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه)

در تاریخ ۹۵/۸/۱۹

بسم الله الرحمن الرحیم ـ الحمد لله رب العالمین

تشکر می کنم، الحمد لله جلسه بسیار خوبی است، و تجدید عهد و تجدید یادی است. خیلی خرسند شدیم.

گزارش های گویا، مبسوط و پر مغزی بود. گزارش هایی پیش از این هم به ما رسیده بود. این ها حکایت از تلاش و جدیت فراوان دارد و نشان از هوشمندی و آینده نگری است.

الحمدلله بالاخره جمعی پیدا شدند که بدانند کشورشان چیست و بفهمند که ظرفیت کشور چیست؟ به بعضی ها میگویم ولی باور نمی کنند. شما حقیقت ظرفیت های کشور را باور کردید، لمس کردید و به نمایش درآوردید و به بهره برداری رساندید.

الحمد لله همدلی و همزبانی میان ما هست. آنچه در دل من بود شما بیان کردید.

ربط دل من و دل تو ربط عاشقی است		این جا سخن ز مهتر و کهتر نمی رود

مرحوم آقای خوشوقت داستانی را نقل می کردند که عارفی در مکاشفه دیده بود که سکوی بلندی را که جوانانی می آمدند و جست می زدند بالای آن سکوی بلند اما هر آن فرد هر چه تلاش کرد که شبیه آن ها جست بزند نمی توانست. بعد فهمیده بود که چون پیر شده نمی تواند. در سلوک و شهود رؤیت جمال الهی هم همین است. جوان آمادگی اش بیشتر است.

الحمد لله این مفاهیم در دل شما روییده است. اصرار من بر اینکه آموزش بدید، بپرورانید و جوان پشت سر جوان بیاید، برای همین است. مانند نیروی ذخیره در جنگ. یک گروه خط می شکنند و نیروی ذخیره بعدی می آید تصرف می کند و... . جنگ نرم از بابت حضور نیروها مثل جنگ نظامی است که یکسره باید نیروهای تازه نفس و جوان تر جایگزین نیروهای قدیمی تر و جنگ کرده بشوند. لذا جنگ فرهنگی هم مثل جنگ نظامی است. جنگ فرهنگی هم عینا همین جور است با پیچیدگی ها و هوشمندی های خیلی بیشتر.

الحمد لله شما راه افتادید و آمدید. ما هم همین حرف ها را داریم.

تشکر می کنم از آقای جعفری؛ ما آقای جعفری را گذاشتیم فرمانده سپاه. برداشت اولیه آن است که سپاه، بیشتر باید کار نظامی انجام دهد، اما آقای جعفری در فرماندهی سپاه هم نظامی گری را انجام دادند هم به موازات آن در فرهنگی

گری کار خوبی انجام دادند. به پشتوانه سپاه بود که این نیروهای مردمی جمع شدند. توقعاتی که بیان می شود را فورا جذب می کنند و انجام می دهند.

من از آقای یکتا که در راه اندازی این کار خیلی نقش ایفا کردند و زحمت کشیدند، تشکر می کنم. آقای یکتا، الحق از آن دست آدم هایی ست که تمام نمی شود، همین طور می جوشد. ایشان مثل اسب عربی است. اسب عربی خستگی ندارد، تا وقتی که تمام شود و بمیرد کار می کند. من پیش از این در جمعی خودم را به اسب عربی تشبیه کرده بودم . این آقای یکتا هم اسب اصیل عربی است که واقعا تمامی ندارد.

تعریف آقای عبودتیان را هم که در بیناد خاتم هستند را نیز شنیده ام، قبلا هم گزارش هایی داده بودند. از ایشان هم تشکر می کنم.

گزارش های بسیار خوبی بود. هم افق، هم اوج و هم فضای مجازی و هم بنیاد خاتم. البته گزارش هایی نیز به دست من برای این جلسه رسیده بود. جمله جالبی در یکی از این گزارش ها بود. فردی گزارشی برای من تهیه کرده بود گفته بود که من معلمم و معلم زیر غلط ها را خط می کشد. اما معلم گاهی آینده ای را می بیند در نوجوان که نه پدر مادر او و نه حتی خود او، این آینده را نمی بیند. من در ناصیه روشن اوج چیزی می بینم که برجسته است و پدر و مادر او هم ندیده اند. البته او زیر غلط ها را هم خط کشیده بود.

پشتیبانی سپاه از این حرکت، بخش عمده اش مالی است. پشتیبانی مالی سپاه خوب است و لازم است ولی باید با مراقبت انجام گیرد . همه این پشتیبانی ها که دارد در زمینه فرهنگ می شود به اندازه چند موشکی که ما مجبوریم آزمایش کنیم، نشده است. خرج آن آزمایش ها، چند برابر این خرج بوده. گاهی لازم است که آزمایش بشود یک موشکی که بنده بر آن نظارت دارم و در شرایطی که شورایی تشخیص بدهد لازم است، انجام می شود. این خرج با از خرج آن موشک آزمایش شده هم کمتر است. من با خرج سپاه در این زمینه هیچ مشکلی ندارم ولی با این همه، خرج بی حساب و کتاب رو بنده موافق نیستم؛ چه در حد کمش و چه در وسعت زیادش . خرج با حساب و کتاب و مراقبت . باید معلوم باشد که چه می دهیم و چه می گیریم؟ بیت المال است و باید مراقبت شود.

خب الحمد لله شما جوان هستید و اقتضای جوانی، خیز بلند است ...

اما مسائلی که باید با شما مطرح کنم :

*****

قدر این کار را باید بدانید کار بسیار مهمی است و باید وسیله استمرار آن را فراهم کرد. بعضی از دستگاه های دولتی نه اینکه نخواهند کمک کنند ولی شرایط شان اجازه نمی دهد که کمک کنند چون مانع های زیادی سر راهشان است همین دیشب مسئول دولتی پیش بنده بود و می گفت که ما نظامات اقتصادی، انسانی و ... را توانستیم تا یه حدی

درست کنیم ولی نظام اداری و مدیریتی را نتوانستیم درست کنیم؛ فلذا این دستگاه های دولتی اگر هم بخواهند با این موانع نمی توانند کمک کنند البته بعضی ها هم کوتاهی می کنند.

به هرحال شما باید این کار را استمرار دهید. کار مهمی است. چرا که فرمود:

مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ   چرا که وعده تو کردی و او اجابت کرد

البته منظور من از شیخ این شیوخی نیستند که اینجا حضور دارند. من به این شیخ ها افتخار می کنم. شیخ همان است که خودتون می فهمید (با خنده ایشان و خنده حضار)

مساله فرهنگ اصل است و مثل هواست. همه آن را تنفس می کنیم، چه بخواهیم چه نخواهیم. باید این هوا را تمیز نگه داشت. فرهنگ اهمیت دارد. دشمن در اول انقلاب به این نکته توجه نداشت و با روش سخت با ما برخورد کرد؛ کودتا، جنگ های قومیتی، جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی کرد. لکن نه تنها اثر نکرد این برخورد سخت، که ما رو مستحکم تر کرد. جنگ، ما را منسجم کرد. جنگ، برای ما گنج بود. بعد از آن ملتفت شدند که راه شکست، کار سخت نیست بلکه کار نرم است، کار فرهنگ است .

چند روز پیش مطلبی می خواندم از یکی از نویسندگانشان، نوشته بود بین ایران و آمریکا، یک انقلاب اسلامی نشسته است که باید آن را برداشت. دشمن به این فکر افتاده انقلاب اسلامی را به شکل مناسب و به شیوه فرهنگی، از سر راه بردارد تا بتواند جمهوری اسلامی را به آمریکا نزدیک کند. محال عقلی هم نیست . ممکن است اتفاق بیافتد. لذا تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی شروع شد. ما این را بیان کردیم ولی اول بعضی ها قبول نداشتند. حتی در صحبت های خود در تلویزیون آن را رد کردند، من هم داشتم آن برنامه را از تلوزیون می دیدم. لکن به تدریج این قضیه خودش را تفهیم کرد. آتش بار دشمن به ستون های اصلی و مراکز اصلی فرهنگی ما حرکت کرد. به خصوص با فناوری های جدید مثل ماهواره، اینترنت و ... دشمن این شبیخون و تهاجم فرهنگی را بیشتر کرد و واقعا هم دارد مجاهدت می کند برای نابودی انقلاب اسلامی .

اعتقاد قطعی و عینی من این است که ما در حوزه فرهنگ، از لحاظ فرهنگی، اوضاع فرهنگی ما از حیث کیفیت و کمیت بهتر است. کیفیت که قطعا بهتر از قبل است کمیت هم احتمالا و با برآورد بنده و به نسبت جمعیت بیشتر است. شما غالبا جوانید یا در دهه شصت نبودید و یا اگر بودید یادتان نمی آید. در زمان جنگ خیلی ها بودند که اصلا کاری به جنگ و این مسائل نداشتند لکن الان این طور نیست. در زمان جنگ چقدر خانواده ها بودند که نگاه به جنگ هم نکردند. ما همیشه کسانی را می گوییم که رفته اند. چقدر ها ضد جنگ بودند. کتابی هست درباره نامه های یک آقای دکتر ایرانی در آمریکا، که من ایشان را به خوبی می شناسم، به او مراجعه کرده بودم، با رفیق تهرانی اش، که بنده ایشان را هم می شناسم. مفصل است و درباره موضوعات متعدد آن زمان، با هم در نامه ها، سخن می گویند و از تهران و ایران گزارش می دهد اما یک کلمه هم درباره جنگ و بمباران تهران و .... در آن نیست. مگر می شود آدم برایش همه مسائل یک شهر و کشور مهم باشد اما جنگ کشور و ملتش و بمباران شهرش، برایش مهم نباشد. من در حاشیه

آن کتاب نوشتم. این عبرت است. در آن زمان، در آتشفشان حوادث جنگ، عده ای بی اعتنا به این حادثه، عظیم زندگی خودشان را می کردند. سفر خارجی خودشان را می رفتند.مقاله خودشان را می نوشتند و شعر خودشان را می گفتند. غافل ماندند از این واقعه. الان هم عجیب نیست که عده ای به انقلاب و تهاجم فرهنگی بی توجهی می کنند.

اما تفکر انقلاب، رشد پیدا کرده است. کمیت و کیفیت کار فرهنگی هم ارتقاء پیدا کرده و محصولات فرهنگی ما در خارج از مرزها مورد اقبال قرار گرفته می گیرند. لبنان، مصر، ترکیه، عراق و ...، در این ها محصولات انقلابی پیش می رود. «کن» نباید برای ما ملاک باشد. چون اونجا سیاست بازی خودشان را دارند. ملاک این است که در محیط های نفوذ پذیر فکری و عاطفی، کدام فیلم دارد کار می کند؟ ما باید با جاهایی کار داشته باشیم که با محصولات ما ارتباط عاطفی و احساسی پیدا می کنند مثل مصر که شنیدم یکی از این فیلم ها را دیده اند و به آن هدیه ای هم داده اند.

دشمن هم البته ناشی گری می کند در قضیه این تهاجم ها که ما ان شاء الله از آن استفاده خواهیم کرد.

*****

عمده نظر و هدف شما باید این باشد که چتر گفتمان انقلابی را در کشور باز کنید. هستند کسانی که از تفکر انقلابی، اسم انقلابی و شاخصه های انقلابی خوششان نمی آید. می خواهند جمعش کنند. شاخصه هایی مثل عدالت اجتماعی، استکبارستیزی، محرومیت زدایی، خدمات اجتماعی و ... . آن شاخصه ها و اصولی که امام فرمود.

خیلی ها هستند که برعکس این عمل می کنند. در کشور هستند کسانی از این قبیل که معتقدند کشور را باید بکشانیم به سمت غرب در پیشرفت. با این منطق که پیشرفت کنیم. لکن حواسشان نیست که این پیوستن یعنی تبعیت و دنباله روی غرب. منطقشان هم این است که پیشرفت بدون این نمی شود. نمی گویند و توضیح هم نمی دهند که کشور که چند دهه این راه را رفته است، به کجا رسیده است؟! بعد از مشروطه و اتفاقا آن موقع حرف هم این بود که سرتاپا غربی بشویم که یکی از آنها کشف حجاب و برداشتن عمامه از سر روحانیون بود و ... کارهای پنهانی گسترده ای انجام شد مانند ترویج فلسفه های غرب در ایران که عادی صورت نگرفته است. ترجمه ها با حساب و کتاب بوده است. در آن ۵۰ ـ ۶۰ سال در عین وابستگی چه پیشرفتی کردند؟ ما در آن دوره ها چه پیشرفتی کردیم ؟ ملت های دیگر که غربی اند چطور؟ آنها چه پیشرفتی کردند؟ مصر که از زمان بعد از عبدالناصر تا این قضیه بیداری اسلامی ۳۰و خرده ای سال غربی بود، چه پیشرفتی کرد؟ حالا مقایسه کنید با این ۳۰ و خرده ای سال ایران پس از انقلاب که چه پیشرفتی کرده است. در مصر، دولت وابسته ، فقر و محرومیت، قبرستان نشین ها و .... گاهی خودشان این مقایسه کرده اند که ما کجاییم و ایران بعد از همین ۳۰ سال موشک و ماهواره به فضا می فرستد ....

وابستگی به غرب، ضد پیشرفت است و این یک ادعای منطقی است و رجزخوانی نیست، استدلال دارد. حالا در این جلسه جایش نیست. لازم باشد ۳ ساعت می توان برای آن استدلال آورد.

آنها می خواهند گفتمان انقلابی را محو کنند و ما باید در دل ها نفوذ کنیم و باید کارهایمان را ارزیابی کنیم که چقدر دل ها را جذب کرده ایم؟ نسل جوان روایت دارند. شما روایت دارید. اما ما درایت داریم. ما دیده ایم. البته جوان های الان از حقایق اطلاع دقیقی ندارند و ندیدند . نه از قبل انقلاب و خون دل ها در نهضت اسلامی اطلاع دارند و نه زمان جنگ را دیده اند و اطلاع دقیقی دارند ...

از کار های اساسی، تبیین تاریخ انقلاب است. باید در برنامه ریزی های شما یک بخشی به این اختصاص یابد.

پهلوی وقتی روی کار آمد، یکی از اولین کار ها، خراب کردن چهره قاجار بود. از قاجار چهره بدی به نمایش گذاشت (البته چهره قاجار بد بود) و بعد توانست حکومت کند ولی ما این کار را نسبت به پهلوی نکردیم، در حالی که چهره پهلوی به مراتب زشت تر از قاجار است. کتاب هایی که از خاطرات خود این ها نوشته شده، بسیار تلخ است. در پشت یکی از کتاب های نوشته شده توسط این ها نوشتم : انقلاب اسلامی کشور را از یک سقوط نجات داد. از یک خطر بزرگ برای کشور. هم زنش بد بود، هم مردش بد بود، هم علم بد بود، هم محمدرضا بد بود، هم هویدا بد بود، هم فردوست بد بود، هم منصور بد بود و ... همه چیزشان بد بود. بد دل، بد عقاید، بد اخلاق ... خطرهای بزرگی را برای مردم به وجود آوردند. جوان ها اطلاع ندارند. در رفع حیا و ترویج فساد و انجام فساد، در فساد مالی ، در فساد اخلاقی و ...

در مساله دستاوردهای انقلاب ما کم کاری کرده ایم . درست است که نقاط ضعف داریم ولی نقاط قوت را باید برای مردم تبیین کرد و نشان داد مثل همین مساله زیر ساخت ها که واقعا کاری شبیه به معجزه در زمینه زیرساخت ها انجام شده. مبهوت کننده است در نسبت با قبل از انقلاب. قدرت رقابت با دنیا در نانو، هوافضا و ... برای کشوری که در پایین ترین مراتب علمی قرار داشت. این خیلی مهم است. در زمینه خدمات هم همین طور. خدمات بی نظیری صورت گرفته و چقدر فراوان است. به تصویر کشیدن این ها مهم است. اینها را باید گفت و نه با گفتن زبانی بلکه گفتن هنری لازم دارد. اما در مقابل سیاه نمایی فراوان می شود.

در مورد صراحت و چگونگی آن هم که سوال کردند باید بگویم که صراحت چیز خوبی است. ولی باید مراقب بود که سیاه نمایی نشود. چیزی که نیست را هست نکنیم و چیزی که هست رو هم یک کلاغ چل کلاغ نکنیم. به مجرد اتهام، تاثیر در دل ها دارد و تا بیاید رفع بشود این اتهام، طول می کشد. در کشور هم متاسفانه این سیاه نمایی ها باب شده؛ مثل انتخابات که کاندیداها برای اینکه رای بیارند به جان نظام می افتند و به جای اینکه خودشان را کتک بزنند نظام را می زنند؛ مثل دو تا برادر که وقتی با هم دعوایشان می شه به جای اینکه خودشان را بزنند، پدرشان را می زنند.

*****

براساس گزارش شما که امشب فرمودید و چیزهایی که قبلا خوانده ام، آن چه در گزارش ها پر رنگ نبود، گسترش اخلاق و فضایل اخلاقی بود. مساله اخلاق خیلی کمرنگ بود هم در خاتم هم در اوج و هم در افق هم ... . روی این موضوع، سرمایه گذاری بکنید. ما باید مردم را با اخلاق بار بیاوریم. باید مردم را از تهمت، غیبت، غفلت، حسادت، بخل، جهل، جبن، بدعهدی، بی وفایی و سایر رذائل اخلاقی دور کنیم. الهی اعوذ بک من الغفله و القسوه و البخل و الجهل و الجبن و ... مسائلی مثل حیا رو رواج بدهیم. حیا یکی از فضایل اخلاقی است. دشمن دارد پردهٔ حیا را در شبکه های ماهواره ای و رسانه های مجازی می درد و دقیقا دارند بی حیایی را رواج می دهند. حیا بسیار مهم است. اگر ما حیا را ترویج دهیم جلوی فسادهای جنسی هم گرفته می شود. بسیار مهم است.

*****

تقویت بنیه معرفت دینی ـ عمق دادن:

تقویت بنیه معرفت دینی بسیار مهم است. احساسات خوب است و عواطف خوب است و تحریک آن هم خوب است مثل همین اربعین که مردم با عواطفشون و با احساساتشون شرکت می کنند. اما احساسات می تواند پوچ باشد و باید مبتنی بر مبانی باشد. اما باید اصول و مبانی رو هم در اذهان تقویت کرد.

بنیه های فکری خیلی مهم است. بنیه های فکری را، معرفت دینی را باید تقویت کرد. باید وقت مفصل گذاشته شود. تاکید بنده بر اندیشه ورزان دینی برای همین است. جمع اندیشه ورزان باید تشکیل بشود؛ که البته جمع اندیشه ورزان دینی مهیا شده. این دوستان هم ... صاحبان بیان گویا و .... هستند. این باید ۴ ـ ۵ سال پیش تشکیل می شد. آقایان هم یک سر دارند و هزار سودا. برای نقش اندیشه ورزان دینی در همه حوزه ها، چه دینی، چه سازمانی، چه مدیریتی و چه اداری و اجرایی، باید وقت مفصل گذاشته شود. این آقایان (اشاره به شورای مشورتی) با همه ارادتی که به ایشان داریم، اشتغالات زیادی دارند.

این اندیشه ورزان باید نقششان مشخص شود. مشورت فرق می کند. من دیدم در ساختار، در جایی نوشته بود، شورای مشورتی. یک زمانی به امام می گفتند که مشورت دادیم، امام هم می فرمودند که شما مشورت دادید و من شنیدم ولی من کار خودم را می کنم. مشورتی یعنی این. نباید نقش مشورتی داشته باشند بلکه باید پایه های فکری را بنا نهند و باید اثرگذار باشند. این هیات اندیشه ورز ـ مجموعه فکری، کار اندیشه ناب اسلامی را پیش ببرد.

تعبیر اتاق فکر را به کار نبرید. این یک گرته برداری از واژه فرنگی است. واژه برخط را هم درست کنید. شما که اهل فرهنگ و جوان هستید، کلمه بهتری را درست کنید. به جای آن لاین بگویید بی درنگ و به جای آفلاین بگویید، با درنگ. این سلیقه من است. شما چیز بهتری درست کنید. تعبیر های گرته برداری شده را دور کنید.

(در گزارش ها) اشاره شد به طرح ولایت. همین طرح ولایت چیز خوبی بود و باید ادامه پیدا کند؛ که آقای مصباح ادام الله بقائه، هم منبع فکر را داشتند و هم ابزار اجرا را (مانند شاگردان) . این تجربه است.

*****

در مورد مخاطب باید بگویم خلق مخاطب که سوال شد به معنای کشف مخاطب است. از ۸۰ میلیون نفر جمعیت، امروز ۷۰ میلیون مخاطب رسانه اند. کودکان ۳ ـ ۴ ساله هم مخاطب رسانه شده اند. گاهی درحین بازی، کشفی می کند که پدر و مادرش هم کشف نکرده اند. افزایش مخاطب مهم است. فقط آن که به ما اعتقاد دارد، مخاطب ما نباشد. نباید مخاطب آشنا و انقلابی و حزب اللهی را فقط جذب کرد بلکه باید به دنبال جذب مخاطب بیگانه (به تعبیر رایج یعنی همان قشر خاکستری و حتی قشر سیاه) باشید.

گر آن بیگانه هم با ما نشیند آشنا خیزد

*****

من خیلی شماها را دوست دارم. صدق شماها را هم قبول دارم . همه این گزارش هایی که ارائه شد، من به صداقت شما ایمان دارم و مطمئنم که این کارها انجام شده؛ اما همه این ها، نشان خروجی نیست. خروجی، به کیفیت این گزارش نیست. اصلا سوء ظن ندارم اما این گزارش، نشان از خروجی نیست. بنده مرتب گزاش می شنوم، در این ۳۰ سال . آدم میدانی هم هستم. چه پیش از ریاست جمهوری که کامل در میدان بودم، چه در زمان ریاست جمهوری که کمی کمتر. با بدنه جامعه هم ارتباط دارم. گزارش های راستی وجود دارد که با خروجی تطبیق ندارد. مثلا صدا و سیما به ما گزارش می دهد که در همه ایران، فیبر نوری کشیده است و ... اما این دفتر ارتباطات مردمی ما که دنبال همین چیز ها هم هست، به ما گزارش می دهد که از فلان روستا ها نامه نوشته اند که نه تنها تصویر نداریم که صدا هم نداریم. گزارش راست است اما با خروجی هم خوانی ندارد.

بروید ببینید خروجی هایتان چگونه است؟

شماها می توانید خروجی ها را با کیفیت کنید. این که شما ها می توانید را هم از روی احساساتم نمی گویم بلکه این کاملا مبتنی بر عقلانیت است . مستند به بیان قطعی الهی است.

نباید زودی بگوییم «لا یکلف الله نفسا الا وسعها». خود این آیه رو هم نباید اینچنین معنی کرد که ما وسعش رو نداریم. یک معنا و تفسیر رایج از این آیه آن است که وقتی انسانی به امری مکلف می شود، اگر نتواند انجام دهد، می گوید لایکلف الله نفسا الا وسعها. چون توان و وسعش را نداریم، تکلیف برداشته شده است. این معنا درست است اما از

این معنا درست تر آن است که خدا، به انسان تا وسع و توانش نرسد، تکلیف نمی کند. هنگامی که تکلیفی بر انسان واجب می شود، حتما وسع و توانش را دارد. همان قرآن آیه «لیظهره علی الدین کله» را هم دارد. پس معلوم می شود چنین وسعتی هست که خدا چنین تکلیفی بر شما گذاشته است. خدا به وسیله شما این کار را می کند. ارائه و گسترش این فکر ناب و دین ناب بر تمام بشریت، بر عهده من و شماست. شما باید بتوانید این دین و برنامه را بر تمام بشریت غالب کنید. این اگر وسع ما نبود به ما واگذار نمی کرد. وقتی تکلیف سنگین روی دوش شما هست، وسع شما هم هست. از ما خواسته شده است. من میگویم که خدا این وسعت را در شما دیده که چنین تکلیفی بر شما گذاشته است. پس باید همت کنید. ما در دورانی هستیم که تقیه نداریم، اسلام قدرت سیاسی دارد.

اخوان المسلمین یک زمانی ۲ میلیون عضو در سراسر جهان داشت. اما قدرت نداشت. اسلام بی قدرت بود. برای همین به اهدافش نمی توانست برسد. گاهی با یک کار اطلاعاتی یک دولت و دستگیری عناصر، همه تشکیلات دچار مشکل می شد. نباید اسلام بی قدرت بسازید. دشمنان و غرب و نهادهای آن طرفی هم، از اسلام بدون قدرت نمی ترسند. حمایت هم می کنند. باید اسلام با قدرت بسازید. اسلامی که متفکرین دارد، قدرت سیاسی ، نظامی و اقتصادی و ... دارد. این اسلام در دست شماست. تکلیف زیاد است و می توانید.

همین کارها که الان گزارش دادید، اگر ۱۰ سال پیش گفته می شد، انکار می شد. اما رفتید و کردید و توانستید. پس می شود و می توانید.

مخاطبان را افزایش دهید. مخاطبتان را هم فقط جوان انقلابی نگذارید.

در مساله کتاب که گفتید شمارگان کتاب های انقلابی بالاست. لکن خواندن و مصرف مهم است. کاری کنید که خوانده شود. شما باید تا مرحله خوانده شدن کتاب برنامه داشته باشید، خیلی وقت ها کتاب خریده می شود ولی در کتابخانه می ماند و خوانده نمی شود. شما باید برای آن هم برنامه داشته باشید.

اشاره به مستند هم شد. توان جذب در مستند بالاست. مستند جذاب برای تقویت فکر مخاطب درست کنید. مستندی که جوان هم با واقعیت آشنا شود و هم بتواند مبارزه و مجادله کند.

باید کارهای فرهنگی را به کارهای اجتماعی وصل کنید و این کار را انجام دهید.

اردوهای جهادی خیلی قیمت و ارزش دارد. در اردو ها، رفتار شما به طور طبیعی منتقل می شود و این باعث رشد در سطح کشور می شود. فرض کنید که مثلا ۲۰۰ گروه جهادی وجود داشته باشد که به نقاط مختلف کشور بروند و با رفتارشان بر مردم تاثیر بگذارند. حالا اگر این گروه ها در فصول مختلف به سراسر ایران بروند. تاثیر بسیار بزرگی خواهد گذاشت.

بحث آسیب های اجتماعی هم خیلی مهم است. در این زمینه ها، بخشی می تواند موضوع کار شما قرار بگیرد.

چند روز پیش، در همین جا، جلسه آسیب های اجتماعی را داشتیم. جلسه طولانی هم بود. حدود ۳ ساعت طول کشید. البته الان جلسه شما بیشتر از ۳ ساعت طول کشیده است. بله برای شما خوب است اما ما معمولا ساعت ۱۰ خواب هستیم. الان که شام هم نخورده ایم و باید شام هم بخوریم و بعد بخوابیم.

دفتر ما و وزارت کشور در این موضوع خیلی فعال شده اند. وزارت کشور گزارش ها و رصد های مختلفی را در این زمینه انجام می دهد. یکی از این گزارش ها درباره «قلعه گنج» بود. از نقاط محروم جنوب کشور. یکی از سازمان ها گزارشی می داد از فعالیت هایی که در آن جا انجام شده است. می تواند این فعالیت، موضوع یک مستند باشد. فعالیتی که آن جا انجام شده، الگویی ست برای اقتصاد مقاومتی. صندوقی درست کرده اند با پول خودشان، همان مبلغ اندک مردم محروم. مبلغ خوبی هم جمع شده است و کار های مختلفی انجام شده است. این همان چیزی است که ما درباره حل مشکلات به دست مردم گفتیم. مردم وقتی کار دیدند و صداقت دیدند، می آیند به میدان.

*****

در مورد تولیدات سینمایی:

ـ ساختن آدم ها مهم تر از ساختن فیلم هاست . مثل عرصه اقتصاد، که ما گفتیم که آن جا که محصول مشابه داخلی وجود دارد، محصول خارجی وارد نکنیم. الحمد لله پول هم در دستگاه شما کم نیست. اگر پول به خارجی و ... دادیم که برای ما کار کند و کار ساخت، فایده ندارد. نباید رفت دنبال یک کارگردان که کارش خنثی سازی و یا حتی سیاه سازی است و گفت بیا برای ما فیلم بساز و پول خوبی هم به او بدهیم (که شنیدم پول خوبی هم میدید شما ـ با خنده ایشان و خنده حضار) او اگر فیلم هم بسازد و خوب هم در بیاید و تاثیر هم بگذارد، ما کاری پیش نبردیم در واقع. طرف نوکر بادمجون است. یک وقت یک سلطانی به کسی گفت که بادمجان تلخ است یا شیرین؟ گفت هر چه شما بفرمایید. من نوکر شما هستم، نوکر بادمجان نیستم.

البته اگر نقشه داشته باشیم و آن، خنثی ساز و یا سیاه ساز را هوشمندانه بیاریم که آنها را جذب کنیم و کسی به خیل شما بپیوندد، این خوب است و مهم است. بنده نیز در اوایل انقلاب در حوزۀ شعر، خودم این کار را می کردم. ولی سفارش دادن به بیگانه، اصلا خوب نیست. همان نیروی خودی را تقویت کنید. ۲، ۳ فیلم را بگذارید خراب کند تا بیاید در سطح با کیفیت.

ـ کارهای شما از لحاظ کمی و کیفی باید بر سینما تاثیر بگذارد. سینمای کشور وضع خوبی ندارد (من خودم از پارسال دوست داشتم که یک کار و جریانی را در سینما شروع کنم و نکاتی را به تفصیل بیان کنم، که متاسفانه به دلیل سرشلوغی خودم از باب مسائل سیاسی و ... وقت نکردم این کار را انجام دهم) لکن شماها باید بر سینما غلبه کنید. کمی و کیفی . همتتون رو در ساخت فیلم بالا ببرید. همت کنید سالی ۲۰ فیلم با کیفیت بسازید. (آقای احسان حسنی: خیلی سخت است) سخت است بله. اما «لایکلف الله نفسا الا وسعها». اگر همت کنید می توانید.

این دستی که شما دارید، یک توانی دارد. اگر با آن ضربه ای به کسی بزنید یک مقدار دردش می گیرد. ولی اگر چند ماه ورزش جودو انجام دهید. جودو درست است؟ کاراته؟ کاراته مثلا کار کنید، با همان دست به کسی بزنید، دستش می شکند. بدن خام بود. این استعداد درش هست. یک زمانی من این ژیمناستیک کار ها را می دیدم. انعطاف بدن آن ها، عجیب است. این بدن ما می تواند با تمرین آن حرکات عجیب را انجام دهد. این استعداد در بدن هست.

این استعداد در شما هست و می توانید. ما خیلی به شما اعتقاد داریم.

ـ با صدا و سیما و حوزه هنری هر چه می توانید تعامل و همکاری کنید.

همین افق رو شما سه سال پیش گفتید. سال ۹۲ من خودم باورم نمی آمد که بشود، ولی دیدیم که شد. (هر چند که چند ماه مردم را سر کار گذاشتید و هروقت می زدیم افق، فقط خط و خطوط نشان می داد ـ با خنده حضار)

به آقای عسگری کمک کنید هر چه می توانید. این آقای عسگری، آدم خوب و کارآمد و پر تلاشی ست. نگذارید مدیریت سازمان، دو شقه شود.

*****

فضای مجازی :

فضای مجازی حقیقتا قتلگاه جوانان و نوجوانان ما شده است. الان یک منطقه عظیمی از این فضا در اختیار دشمن است و هر کار می خواهد می کند و انواع ضربه ها را به ما می زند. شما هم البته کار کردید و خوب کار شده، لکن کافی نیست.

ـ ابتکار نیاز است. باید کاری کنید که دشمن را از فضای مجازی برانید. هدف را این بگذارید که دشمن را بتارانید و پس بزنید. بخشی از آن بر می گردد به کار قانونی و جلوگیری قانونی و ... . لازمه اش آن است که توان ها را خیلی فعال کنید . به یک تحول هوشمندانه نیازمندیم.

ـ در اینجا هم احتیاج است به تشکیل هیات های اندیشه ورز قوی و موثر که بیایند راهکار بدهند. و داریم در جوانان، کسانی که مثل شما فعال هستند و مطلعند. متعدد هم هستند. افرادی هستند جوان، علاقه مند، مسلط بر فضای مجازی، معتقد و ... . داریم از این دسته ادم ها که من تعدادیشان را خودم دیده ام. مثلا همین آقای دکتر انتظاری که هم مسلط فنی و رو به راه و خوب است. سپاه هم باید از ایشان حمایت کند.

ـ باید یک شبکه پیام رسان وسیع با ظرفیت ۲۰ میلیونی ایجاد کنید با تمام جذابیت هایی که شبکه های آنطرفی دارند. باید کاری کنید که مردم دیگر نیازی به تلگرام نداشته باشند. همت را بر این بگذارید.

از من سوال می شود که کردید که به شبکه های اجتماعی و مجازی خارجی کنونی که متعلق به دشمن است، وارد بشویم یا نه؟ به نظر ما ورود هوشمندانه، خوب است ولی افرادی بروند و کار دسته جمعی کنند و بنیه داشته باشند؛ که خودشان غرق نشوند و مثال آن غلام و آب جو نشود.

غلامی که آب جوی آرد   آب جوی آمد و غلام ببرد

ورود تهاجمی لازم است و گرفتن میدان از دست دشمن. اثر گذار و تهاجمی باشید نه اثر پذیر.

*****

یک نکته اساسی دارم و نسبت به آن دغدغه دارم:

قرار ما از اول این بود که یک جبهه مردمی تشکیل بدهیم. این نباید فراموش شود. (احسنت برخی از حضار) این برای من خیلی دغدغه است و از اول این را با هم عهد کردیم . قرار ما بر این نبود که چند سازمان در بین سازمان های موجود تاسیس کنیم. این قرار ما نیست. نباید سازمان تاسیس کنیم. این سازمان ها باید ستادی بشوند تا اراده و توان مردم را برای دفاع از انقلاب به میدان بیایند.

باید حواسمان باشد به تدریج به یک شیء متحجر، بسته و منقطع از مردم تبدیل نشویم. به شدت مراقب باشید. به ویژه در مجموعه خاتم الاوصیاء.

این رقم هایی که از فعالیت های مردمی و فرهنگی در کشور درگزارش ها بود، عددهای افسانه ای بود. چند هزار هیات و موسسه و ... . این ها فعال باشند و فعال بمانند. تا جبهه محسوب شوند.

*****

مجموعه هیات فکری دینی که تشکیل شده،

ـ نباید ویترینی باشد و باید برای کل این مجموعه ها قابل اتکا باشد و کار کنند.

ـ جهت گیری کلی فکری هم باید فرامین حضرت امام و خط امام و نظرات امام باشد. کار اجتهادی ست. ممکن است اختلافی هم وجود داشته باشد. اختلاف ها در امور حاشیه ای و فرعی و نیمه فرعی هم خیلی مهم نیست. این ها حل شدنی است. فصل الخطاب و حل را بگذارید اصول امام و خط امام و انقلاب و اینا.

ـ باید این مجموعه فکری و روحانی یک مدیریت مقبول هم بین خودشان درست کنند. تجربه ای که ما داریم، مجموعه هایی که رییس ندارند، مدیر ندارند، پیشرفتشان کمتر از آن هایی ست که رئیس و مدیر دارند.

*****

نکته ای را به من گفته اند که ان شالله اینطور نیست. آن این است که این مجموعه ها هیچ ارتباطی با هم ندارند. مجموعه ها با هم، هم افزایی ندارند. ان شاء الله واقعیت ندارد. که این اصلا خوب نیست و اگر اینطور است و واقعیت دارد، باید سریعا آنرا علاج کنید. هر چه سریع تر ترمیم شود. باید کار قرارگاهی باشد. قرار گاه اصطلاح خوبی است. در زمان جنگ، مثلا قرار گاه کربلا وجود داشت که ایشان هم (آقای جعفری) در آن جا بودند. این قرارگاه از هر لشگر و تیپ، چند واحد نیرو می گرفتند و آن نیروها، تحت فرماندهی قرار گاه بودند. هر چند که از حیث پشتیبانی زیر نظر لشگر و تیپ خودشان بودند. هماهنگی واحد ها زیر نظر قرار گاه است. هماهنگی وجود داشته باشد. راهش چیست؟ به عهده شماست.

*****

مراقب باشید نیروهای خوبی که جذب کردید و تربیت کردید از دست نروند. گاهی یک امر کوچک، شبهه ای، برخورد نامناسب و یک مساله کوچک کاری می کند که نیروها دفع بشوند و حتی از انقلاب فاصله بگیرند. مراقب باشید که این مسائل، نیروها را از چتر انقلاب خارج نکند. برای این واژه کادر سازی هم باید فکری کرد و واژه بهتری جایگزین کرد.

*****

مساله بانوان هم بسیار مهم است. من در گزارش های تصویری، بعضا حضور بانوان را دیدم ولی باید برای بانوان خبره و جوان کار کرد. مجموعه ها، زنان جوان را جمع کنند. دختران جوان خیلی خوبی داریم. استعداد های خوبی بینشان هست. مثلا همین کتاب های خوبی که نگاشته شده است. نویسندگان خانمِ خوب و با استعدادی دارند. قلمشان خوب است.

*****

سخن آخر: کارها را برای خدا بکنید تا خدا به شما توفیق بدهد. اثر کار نیز گسترش می یابد. نیت، باید الهی باشد. هر چه می توانید اخلاص را افزایش دهید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

